

فصل اول - صفحه ۱۱ / درس اول: زنگ آفرینش / حکایت اندرز پدر

#تاریخ ادبیات:

شیخ محمود شبستری: صفحه ۱۷۶ / قیصر امین پور: صفحه ۱۷۴ / سعدی: صفحه ۱۷۶ / گلستان ۱۷۹ کتاب درسی

#معنای لغات:

صفحه ۱۱: جمله: همگی / فروغ: روشنایی / حق: خدا
صفحه ۱۲ (به بعد): غوغا: همهمه / انگار: گویی / برخاست: بلند شد / غلتید: چرخید / راز و نیاز: مناجات / فارغ: آسوده / رهسپار: راهی سفر /
افق: کرانه‌ی آسمان / کوچ کردن: جابجایی و سفر / پیغمبر: پیام آور / زائر: زیارت کننده / زنجره: جیرجیرک / کام: آرزو
صفحه ۱۶: اندرز: نصیحت / ایام طفولیت: دوران کودکی / متعبد: اهل عبادت / شب خیز: شب زنده دار / رحمت الله علیه: رحمت خدا بر او
باد / همه شب: تمام شب / مصحف: کتاب ← مصحف عزیز: قرآن / بر کنار گرفته: در بر گرفته / طایفه: گروه / گرد: دور، اطراف / دوگانه:
نماز دو رکعتی / بگزارد: به جا بیاورد / غفلت: بی خبری / خفته: خوابیده / که مرده‌اند: بلکه مرده‌اند / جان پدر: عزیز بابا / به از آنکه: بهتر از
آنکه / پوستین: لباسی از جنس پوست / خلق: مردم

#معنای شعر:

بیت آغاز فصل: (صفحه ۱۱) روشنایی تمام عالم از خداست؛ آنقدر خدا در این عالم آشکار است، که انگار دیده نمی‌شود. (مانند کسی که در
دل آب، دنبال آب بگردد)

#معنای عبارت: (حکایت اندرز پدر - صفحه ۱۶)

در خاطر من هست که در دوران کودکی، اهل عبادت و شب زنده داری بودم. شبی را به همراه پدرم که رحمت و بخشش خدا بر او باد، نشسته
بودم و تمام شب را بیدار بودم و قرآن را دربر گرفته و مطالعه می‌کردم و عده‌ای هم در اطراف ما خوابیده بودند. به پدر گفتم: از این جماعت،
یک نفر بیدار نمی‌شود که دو رکعت نماز بخواند (خدا را عبادت کند)؛ آن چنان یاد خدا را فراموش کرده‌اند که انگار نخوابیده‌اند، بلکه مرده‌اند.
پدرم گفت: عزیزبابا! تو هم اگر بخوابی بهتر از این است که از مردم بدگویی بکنی.

#خودارزیابی:

- ۱- شبنم، دانه، غنچه، گنجشک
- ۲- روحیه‌ی کمال جویی و میل به تعالی شبنم را مطرح می‌کند که دوست دارد در چرخه‌ی زندگی خودش به کمال برسد.

#آرایه ها:

صفحه ۱۱: حق اندر وی ز پیدایی است پنهان: پارادوکس، متناقض نما
صفحه ۱۲ (به بعد): * شعر « زنگ آفرینش » لبالب از تشخیص و جان بخشی است / کلاس جنگل: اضافی تشبیهی / گرم گفت و گو
بودند: کنایه از مشغول بودن به کاری / ز گرد راه رسید: کنایه از تازه رسیدن / آفتاب، آسمان، ابر: تناسب (مراعات نظیر) / کوچک و بزرگ:
تضاد / غنچه هم گفت گرچه دل تنگم ← دل تنگی: کنایه از غمگین و ناراحت بودن / مثل لبخند باز خواهیم شد: تشبیه غنچه به لبخند / با
نسیم بهار و بلبل باغ: واج آرایه «ب» / گرم راز و نیاز: کنایه از مشغول مناجات با خدا / دل آسمان: کنایه از میان آسمان / با - باد: جناس
ناقص افزایشی / روز و شب: تضاد + مجاز از همیشه / زیر لب گفتن: کنایه از آهسته حرف زدن
صفحه ۱۶: دیده بر هم نبسته: کنایه از بیدار بودن / سربرنمی‌دارد: کنایه از بیدار نشدن / دوگانه: مجاز از عبادت خدا / خواب غفلت: اضافی
تشبیهی / در پوستین کسی افتادن: کنایه از بدگویی

#نکات_دستوری:

صفحه ۱۱: جهان (را) فروغ روی حق دان ← جهان: مفعول

صفحه ۱۲ (به بعد): برگ کوچکی در دست (داشتند: فعل محذوف) / انشای کوچک: ترکیب وصفی / جیک جیک: آوا نما؛ صوت / کاش با باد رهسپار شوم + کاش روزی به کام خود برسید ← کاش: شبه جمله {فعل: میشد} / بچه‌ها، آرزوی من این است ← بچه‌ها: منادا
صفحه ۱۶: دیده بر هم نبسته (بودم) و مصحف عزیز برکنار گرفته (بودم) ← بودم: فعل محذوف به قرینه‌ی لفظی / طایفه‌ای گرد ما خفته (بودند: فعل محذوف به قرینه‌ی معنوی) / پدر را گفتم = به پدر گفتم ← را = به : حرف اضافه

فارسی تدریس - کانال تدریس ادبیات و زبان فارسی

  @farsitadris